

## دو نقد از یک کتاب دانشنامه مشاهیر یزد\*

احسان الله شکراللهی

«نزدیک شاهراه جاده ابریشم  
شهری غنوده بود غبار آگین،  
با پلک‌های خسته سنگین  
نامش قرین نام خدایان  
بشکوه چون پرستش یزدان...»

هر سه جلد *دانشنامه مشاهیر یزد* که مرجعی در زمینه زندگینامه یزدیان است با شعر زیبایی آغاز می‌شود که سطور فوق، بند نخستین آن است.

بی‌راه است اگر پیش از ورود به مبحث نقد و معرفی این اثر که در میان آثار از این دست، حجم نسبتاً زیادی دارد، به تعریفی از زندگینامه و انواع آن بپردازیم.

زندگینامه، تذکره، سرگذشت‌نامه یا شرح حال، نوشته‌ای است که موضوع آن گزارش یا شرح یک زندگی است و در آن بر پایه واقعیت و به یاری اسناد و مدارک، خاطرات و شواهد در دسترس، سیمای برجستگان و فرهیختگان بازآفرینی می‌شود.

سابقه نگارش زندگینامه به روزگاری می‌رسد که انسان به فکر ثبت و نگهداری گوشه‌هایی از زندگی خود یا دیگران افتاد، و امروز زندگینامه‌نویسی در شمار انواعی از ادبیات است که اهمیت بسیاری یافته و طرفداران فراوانی پیدا کرده است.

پرداختن به تاریخ زندگینامه‌نویسی در جهان در حوصله این نوشته نیست اما در عالم اسلام نخستین کسی که به زندگینامه‌نویسی روی آورد عبیدالله پسر ابراهیم ابورافع بود. وی در کتابش موسوم به تسمیه *من شهد مع امیرالمومنین فی الجمل والصفین والنهروان من الصحابه* فهرستی از یاران حضرت علی (ع) که در جنگها همراه ایشان بودند را فراهم آورده است.

از آن پس بسیاری از پژوهندگان، به زندگینامه‌نویسی توجه نمودند و انواع گوناگونی از آن را فراهم آوردند. *فرهنگنامه ادبی فارسی*<sup>۱</sup> این انواع را به سه گروه کلی تقسیم نموده است:

نخست **کتاب‌های تراجم احوال** که شرح زندگی افراد بدون گزاره‌گویی و داستانهای باورنکردنی می‌پردازند. دوم **مناقب‌نامه‌ها** که داستان و چهره واقعی افراد را با گزاره‌گویی‌ها و داستانهای باورنکردنی درهم می‌آمیزند، مانند *تذکره اولیاء عطار*. سوم **زندگینامه بدعت‌گزاران** که ضمن معرفی فرقه‌های گوناگون، گزارش کوتاهی از زندگی و احوال پایه‌گذاران آنها ارائه می‌کند. گروه‌های سه‌گانه فوق در ادبیات اسلامی - ایرانی شامل انواع ذیل می‌شود:

**سیره:** شرح زندگی پیامبر اکرم (ص) است و سابقه آن به سده دوم هجری می‌رسد. کهن‌ترین سیره‌ای که به دست مانده است *سیره ابن هشام* است که کاملترین روایت از *سیره ابن اسحاق* (نخستین متن فراگیر زندگی و جنگ‌های پیامبر اکرم (ص)) است.

**مقتل:** شرح حال کشتگان در راه دین است و سابقه آن به سده یکم هجری می‌رسد. از نخستین کسانی که به مقتل‌نویسی پرداخته‌اند، اصبح نباته از یاران حضرت علی بود که کتابی از مقتل امام حسین (ع) گردآورده است. از مقتل‌های معروف فارسی نیز *فیض اللموع* محمد ابراهیم نواب تهرانی (بدایع‌نگار) و *مقتل الحسین* خوارزمی را می‌توان نام برد.

**نسب‌نامه:** یا تبارنامه، یا زندگینامه دودمانی شرح حال همه افراد یک یا چند خاندان است و هدف آن دوری جستن از خطا در تعیین نسب افراد است. برخی آن را ویژه جوامع مردسالار می‌دانند چون فقط دربرگیرنده زندگینامه مردان است و به زنان نمی‌پردازد.

پیشینه تبارنامه‌نویسی به دوره پیش از اسلام می‌رسد. از نسب‌نامه‌های دوران معاصر می‌توان به *تاریخ شیبانی* (شرح حال طایفه شیبانی)، اثر علیمحمد مجیر شیبانی (مجیرالدوله) اشاره کرد.

**طبقات:** گونه‌ای از فرهنگ‌های زندگینامه‌ای است که تخصص زمینه فعالیت تمامی چهره‌های معرفی شده در آنها یکسان است، یا آن که همگی آنها دارای یک مذهب یا شاخصه مشترک دیگری هستند.

پیدایی طبقات به سالهای پایانی سده یکم و آغاز سده دوم هجری می‌رسد. در آن زمان مسلمانان به قرآن، حدیث، نحو، و ادب عربی توجه فراوان می‌ورزیدند، از این‌رو دانشمندی که به این دانش‌ها می‌پرداختند، ناگزیر به پژوهش و بررسی درباره درستی یا نادرستی اسناد و مدارک مربوط به آنها بودند. از همین جا بود که توجه به روایان اسناد و مدارک بالا گرفت و روایان هر رشته زیر هر طبقه ویژه خود قرار گرفتند تا بر پایه تخصص خویش سنجیده و ارزیابی شوند.

بدین ترتیب زندگینامه شاعران، فقیهان، ادیبان، نحویان، و مانند آنها پدید آمد، و طبقات گوناگون شکل گرفت. از بهترین نمونه‌های طبقات که در دوران معاصر تألیف شده *طبقات اعلام الشیعه* تألیف شیخ آقابرگ تهرانی است، و از دیگر نمونه‌ها *احوال و آثار خوشنویسان* تألیف دکتر مهدی بیانی و نیز *نوابغ و مشاهیر معلول جهان گردآوری منصور بُرجیان*.

**مزارات:** عنوان کتاب‌هایی است که گورستانهای یک شهر یا منطقه و بزرگان به خاک سپرده در آن‌ها را معرفی می‌کنند. از نخستین و پرآوازه‌ترین این دسته آثار *شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار* نوشته معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی است که به زبان عربی نوشته شده و بیشتر به نام *المزارات* یا *مزارات شیراز* آوازه دارد.

از نمونه مزارات که در دوران معاصر تألیف شده باید کتاب *آرامگاه خارجیان در اصفهان* اثر هوشنگ مظاهری و نیز سلسله *مشاهیر تحت فولاد* را نام برد.

**زندگینامه خودنوشت:** که به اسامی زندگینامه خودنگاشت، زندگینامه شخصی، سرگذشت‌نامه خودنگاشت، خودزندگینامه، زندگی من، حسب حال و اتوبیوگرافی نیز خوانده می‌شود، گونه‌ای زندگینامه است که دربردارنده تاریخ زندگانی یا دوره‌ای از زندگی شخص به قلم خود اوست. زندگینامه خودنوشت را در شمار ادبیات اعترافی نیز آورده‌اند. با اندکی مسامحه می‌توان خاطره‌نویسی و یادداشت‌های روزانه شخصی را نیز نوعی زندگینامه خودنوشت برشمرد. زندگینامه‌های خودنوشت را از جهات مختلف به انواع گوناگون تقسیم می‌کنند: جزئی‌نگر و کلی‌نگر، تاریخی و توصیفی، رسمی و غیررسمی، مضمونی، ایدئولوژیک و بالاخره داستانی.

به رغم آنکه سابقه حسب حال‌نویسی به قدمت خود انسان است، اما سابقه پرداختن به آن در زبان فارسی چندان طولانی نیست و به دوره قاجار می‌رسد، آن‌هم بیشتر در قلمرو ادبیات سیاسی؛ به عنوان نمونه باید از *خاطرات و اسناد علیخان ظهرالدوله، خاطرات حسن اعظام قدسی (اعظام الوزاره)* و *زندگانی من (از احمد کسروی)* نام برد.

**سفرنامه:** سیاحتنامه، روزنامه سفر، گزارش سفر یا گشت و گذار است که به صورت یادداشت‌های روزانه و توصیفات تجربیات سفرها توسط نویسندگان حرفه‌ای و یا بسیاری از سیاستمداران، پژوهشگران، مبلغان، ماجراجویان، پزشکان، پویندگان، و دریانوردان نوشته می‌شود. از معروفترین سفرنامه‌های دنیای اسلام *رحله یا سفرنامه ابن بطوطه مغربی (۷۲۶-۷۷۹)* است. همچنین از کهن‌ترین سفرنامه‌های موجود فارسی باید از *سفرنامه ناصرخسرو* و شرح سفرش از خراسان به مکه و بازگشت به زادگاهش نام برد.

دیگر انواع زندگینامه‌ها بطور مختصر عبارتند از:

زندگینامه وزیران و دیوانسالاران و سیاسیون، که کتاب *مشاهیر رجال* تألیف دکتر باقر عاقلی از نمونه‌های معاصر این دست آثار است.

**زندگینامه زنان:** از جمله این دسته از زندگینامه‌ها می‌توان به کتاب *مشاهیر زنان ایران و پارسی-گوی از آغاز مشروطه* تألیف محمدحسن رجیبی اشاره کرد.

و بالاخره *زندگینامه بزرگان شهرها و سرزمین‌های اسلامی* که بهانه نوشتن این قلم، یکی از انواع همین‌گونه زندگینامه‌هاست؛ *دانشنامه مشاهیر یزد* که بهار امسال لباس فاخری از نثر به خود پوشیده است، و در میان آثار ارائه شده در نمایشگاه کتاب جلوه ویژه‌ای داشت.

می‌خواستیم پیش از پرداختن به نقد و بررسی این اثر نمونه‌هایی از آثار تألیف یافته در زمینه زندگی‌نامه بزرگان شهرها و سرزمین‌های اسلامی را نیز معرفی کنم، اما دیدم آن قدر تعداد و تنوع این گروه از زندگی‌نامه‌ها زیاد است که حتی اشاره به نمونه‌هایی از آن حجم این نوشته را از آنچه باید باشد فراتر می‌برد. بنابراین تنها یادآور می‌شوم که بیشترین تعداد زندگی‌نامه‌های جمعی پدید آمده، مخصوصاً در دوران معاصر به این گروه اختصاص دارد، و معمولاً به دلیل عرق ملی و علاقه به موطن، اهالی قلم گرایش پیدا می‌کنند که به معرفی علما و هنرمندان و مشاهیر شهر خویش بپردازند و به این ترتیب نقش همشهریان خود را در فرهنگ و تمدن و هنر، هر چه پررنگ‌تر به نمایش بگذارند و به ماندگاری نام آنان در تاریخ کمک کنند.

اکنون که از ذکر اسامی نمونه آثار مربوط به سایر بلاد درگذشتیم، برای معرفی بهتر *دانشنامه مشاهیر یزد* لازم می‌آید که به دیگر آثار در زمینه تاریخ و زندگی‌نامه مشاهیر این شهر و استان بپردازیم. در اثر *ارزنده یزدنامه* یا *یزدنامه* تألیف محقق پرکار و ارجمند معاصر، استاد ایرج افشار، که شامل کتابشناسی، متون پیشینه و پژوهش‌های تاریخی در خصوص یزد است، فهرستی از آثار مربوط به یزد و علما و مشاهیر آن به این شرح معرفی شده است:

- *جامع‌الخیرات*، اثر رکن‌الدین ابوالمکارم محمدبن قوام‌الدین محمدبن نظام حسینی و پسرش سید شمس‌الدین، که در بیان وقایع سالهای ۷۳۳ تا ۷۴۳ به تسجیل عده‌ای از علما و قضات و نقبای یزد پرداخته است.

- *تاریخ یزد*، اثر جعفر بن محمد بن جعفر، در ذکر وقایع و حوادث سال ۸۴۴ (عمر شاهرخ تیموری).

- *تاریخ جدید یزد*، تألیف احمدبن حسین بن علی کاتب، شامل وقایع یزد تا سال ۸۶۲.

- *جامع مفیدی*، تألیف محمد مفیدبن نجم‌الدین محمود بافقی، مستوفی یزدی که میان سالهای ۱۰۸۲ - ۱۰۹۰ به تدوین و نگارش آن اشتغال داشته و در آن به احوال رجال یزد در آن دوران پرداخته است.

- *جامع جعفری*، تألیف محمدجعفر متخلص به طرب در تاریخ شهر یزد و حوادث تاریخی مربوط به آن.

- *اخبار یزد*، تألیف حاجی میرزا ایشیک آقاسی دیوان بیگی شیرازی (م ۱۳۱۰).

- *تذکره جلالی*، تألیف عبدالغفور طاهری.

- *مراة‌الملک و ارشاد‌الولاء* اثر سید محمد اسماعیل بن مهدی حسینی، حاوی مطالبی راجع

به دوره حکومت جلال‌الدوله در یزد.

- *کشف حقایق*، تألیف میرزا سیدمحمد رضوی معروف به نواب وکیل در شرح احوال خود و شجره

خاندان رضوی تا سال ۱۲۹۵.

- *آتشکده یزدان یا تاریخ یزد*، تألیف عبدالحسین آیتی.

- *تاریخ خطیب*، شامل یادداشتهای خطیب قبرستان جوهره‌ر (یزد) که به صورت روزانه حوادث

شهری و مرگ و میر بزرگان را در دفتری فراهم آورده بود.

- تاریخ یزد، تألیف احمد طاهری. یزد، ۱۳۱۷.
- تاریخچه الله آباد رستاق شهرستان یزد، تألیف اردشیر خدارحم مهربان الله آبادی که در سال ۱۳۳۳ ش در بمبئی منتشر شد.
- هنروران یزد، تألیف علی محمد کاوه. یزد: اداره کل فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.
- علاوه بر این آثار که بیشتر جنبه تاریخی داشتند، مؤلف دانشمند یزدنامه به تذکره‌هایی که همه یا بخشی از آنها در معرفی یزدیان اختصاص دارد پرداخته است؛ این تذکرها عبارتند از:
- تذکره میخانه، تألیف حاجی میرزا حسین سید مدرسی یزدی (فدایی) در تراجم شعرای یزد.
- تذکره شعرا، تألیف میرزا مهدی یزدی.
- تذکره میکده، تألیف سید محمد علی وامق یزدی.
- تذکره السلسله، تألیف حاجی سید ابوالقاسم مدرسی یزدی متخلص به باصر.
- آینه دانشوران، تألیف سیدعلیرضا ریحان یزدی.
- و بالاخره - تذکره سخنوران یزد، گردآوری اردشیر خاضع (چاپ ۱۳۴۱ در بمبئی).
- علاوه بر آثار مذکور، محقق گرانقدر سید علی آل داود، ضمن مقاله‌ای با عنوان «پارسی‌گویان یزد در عهد قاجار» در نشریه نشر دانش<sup>۲</sup>، در معرض تذکره شبستان، علاوه بر اثر مزبور به تألیفی از احمد دیوان‌بیگی شیرازی مؤلف حدیقه الشعراء اشاره می‌کند که هنوز اثری از آن به دست نیامده است.
- به فهرست آنچه ذکر شد باید تألیفات منتشر شده در دوران معاصر را نیز افزود برخی از آنها عبارتند از:
- تاریخ ورزش یزد (از صفویه تا ۱۳۸۰ ه. ش)، تألیف علی مدیری. یزد: نیکوروش، ۱۳۸۱.
- تاریخ ورزش باستانی یزد، تألیف محمدعلی کلاهی، یزد: ۱۳۷۴
- یزد در اسناد/امین‌الضرب (سالهای ۱۲۸۸ - ۱۳۳۰)، تألیف ایرج افشار، اصغر مهدوی، تهران: طلایه، ۱۳۸۰.
- با من به ابرکوه بیائید (تاریخ و آثار تاریخی ابرقو)، حمیدرضا اسفندآبادی، تهران: پاسارگاد، ۱۳۸۰.
- مشروطیت در یزد، تألیف علی اکبر تشکری بافقی، یزد: مرکز یزدشناسی، ۱۳۷۸.
- یزد در سفرنامه‌ها، تألیف اکبر قلمسیاه، یزد: گیتا، ۱۳۷۹.
- یزد یادگار تاریخ، تألیف حسین مسرت، یزد: انجمن کتابخانه‌های عمومی استان یزد، ۱۳۷۷.
- تذکره شعرای یزد، پژوهش و گزینش عباس فتوحی، تهران: کتابفروشی تاریخ، ۱۳۶۶ - ۱۳۷۳.
- اکنون با بودن این همه آثار در زمینه تاریخ و زندگینامه یزدیان جای این سوال باقی است که چه ضرورتی باعث تدوین دانشنامه ۲۳۲۲ صفحه‌ای مشاهیر یزد گردید؟
- آقای حسین مسرت پژوهشگر پرتلاش و مدیر بنیاد فرهنگی - پژوهشی ریحانه الرسول در این زمینه می‌نویسد: «تاکنون درباره نام‌آوران و مشاهیر یزد اطلاعات پراکنده‌ای در کتاب‌های رجال و یا تذکره‌های شعرا و علما ثبت شده است، اما اطلاعات موثق و قابل اعتماد که بر اساس روایت‌های مختلف

فراهم آمده باشد، در این زمینه وجود نداشته است. مخصوصاً این نقیصه دربارهٔ رجال معاصر که شرح احوال و آثار آنها هنوز به صورت مکتوب وجود ندارد، کاملاً احساس می‌شود. با توجه به چنین ضرورتی *دانشنامه مشاهیر یزد* تدوین گردیده است».

این دانشنامه که در سه جلد به قطع رحلی در بهار سال جاری منتشر گردیده است، حاوی شرح حال ۵۲۰۰ نفر از مشاهیر یزد است که از میان ۷۸۰۰۰ شرح حال موجود در بنیاد پژوهشی ریحانه‌الرسول انتخاب گردیده است، و درج شرح حال ۲۶۰۰ نفر دیگر که به علت دیر رسیدن یا نقص در این سه جلد نیامده، به جلد چهارم وعده داده شده است.

این اثر ظرف مدت چهار سال به محوریت و اهتمام یکی از نوادگان آیت‌الله حاج شیخ غلامرضا یزدی یعنی آقای میرزا محمد کاظمینی مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد فراهم آمده است که خود از پژوهشگران نمونه استان یزد است و آثاری چون *تندیس پارسایی، کیمیای امروز، حجرالاسود، فرهنگ سازی در دوران امروز* را در کارنامه خویش دارد. وی همچنین بنیانگذار روزنامه *آفتاب یزد* و نیز پایه‌گذار بنیاد ریحانه‌الرسول است.

وی در مقدمهٔ کوتاهی که بر این دانشنامه نگاشته آورده: «همزمان با تأسیس بنیاد ریحانه‌الرسول (ص) به دنبال موضوعی بودم تا بخشی از پژوهش‌های بنیاد بر این موضوع متمرکز گردد. از جمله موضوعاتی که از دیرباز توجه بنده را به خود جلب کرده بود، پژوهش درباره نام‌آوران و مشاهیر یزد بود. ... نویسندهٔ این سطور [میرزا محمد کاظمینی] موضوع مزبور را با آگاهان و متخصصان فن در میان گذاشت، تأکیدهایی که هر یک از این افراد نسبت به این موضوع داشتند ضرورت کار را در نظر دو چندان می‌کرد، اما کنار این تأکیده‌ها، تحذیرهایی نیز وجود داشت زیرا آگاهان این وادی پیمودن راه این بیابان را دشوار می‌دانستند و مرا از خطرات راه آگاه می‌ساختند، اما بنده به صاحب نام عزیزی که بنیاد مزین به نام مقدس اوست متوسل شدم و با توکل پای در این وادی گذاشتم».

وی سپس مراحل این کار سترگ از جمله نحوهٔ جمع‌آوری اسناد از طریق مراجعه به کتابخانه‌ها و مراکز اسناد، مکاتبه و فراخوان ... را برشمرده و به گوشه‌هایی از دشواری‌های این طریق اشاره می‌کند. آنگاه نحوهٔ تدوین این اثر را شرح می‌دهد.

در جدولی که در ابتدای جلد نخست و انتهای جلد سوم درج گردیده، نمودار مراحل سی‌گانهٔ اجرایی *دانشنامه* به این شرح آمده است:

۱. مدخل‌گزینی.
۲. تأیید سرگروه علمی.
۳. تأیید هیأت علمی.
۴. تأیید مؤلف.
۵. پژوهشگران.

۶. تأیید شرح حال توسط گروه علمی .
۷. ثبت سند شرح حال.
۸. ویراستاری اول.
۹. کتابشناسی اول.
۱۰. بررسی اعلام (مرحله اول).
۱۱. معادل‌یابی اعلام خارجی .
۱۲. تنظیم ساختاری.
۱۳. ترخیص سند.
۱۴. مقابله متن. (ویراستاری با سند).
۱۵. نظارت اول. (هماهنگ‌سازی) .
۱۶. تایپ اول.
۱۷. نمونه خوانی اول.
۱۸. نظارت گروه ویراستاران.
۱۹. سروویراستاری.
۲۰. کنترل اعلام (مرحله دوم).
۲۱. کتابشناسی (مرحله دوم).
۲۲. تبدیل سال.
۲۳. کنترل معادل‌یابی.
۲۴. تایپ دوم.
۲۵. غلط‌گیری دوم.
۲۶. تأیید نهایی مؤلف.
۲۷. عکس‌گذاری.
۲۸. صفحه‌آرایی و تایپ.
۲۹. چاپ و صحافی.
۳۰. انتشار.

میرزا محمد کاظمینی در این مقدمه در خصوص شیوه انتخاب نام‌آوران یزد مطالبی را ارائه می‌نماید که برای علاقمندان انجام تحقیقی از این دست سودمند و راهگشاست، اما میزان پایین‌دستی گروه پژوهشگران *دانشنامه* به این شیوه، بویژه در بخش مشاغل خیلی شدید به نظر نمی‌رسد. بخشی از توضیح آقای کاظمینی در این زمینه را با هم می‌خوانیم:

«مرحله دشوار دیگر، انتخاب این نامها برای تهیه شرح احوال آنها بود. پس هیئت علمی بنیاد در نخستین جلسه خود تصمیم گرفت که برای افراد انتخاب جهت درج شرح احوال و آثار آنها در *دانشنامه*

مشاهیر یزد معیارهای اصولی و علمی را برگزیند تا هم *دانشنامه* از اعتبار و مقبولیت علمی برخوردار باشد، و هم نام افرادی که در این مورد ذی‌حق هستند از قلم نیفتد. این هیئت پس از چندین جلسهٔ سودمند و مشورت با خبرگان و اهل فن معیارهایی را برای هر گروه در نظر گرفت.»

گروه‌هایی که کار مدخل‌گزینی، گردآوری و تدوین شرح حالهای این *دانشنامه* را انجام دادند عبارت بودند از:

۱. رجال تاریخی؛ ۲. شاعران و نویسندگان؛ ۳. علمای دینی؛ ۴. هنرمندان؛ ۵. ورزشکاران؛ ۶. مبتکران؛ ۷. برگزیدگان علمی و المپیادها؛ ۸. دانشمندان؛ ۹. رجال اقتصادی؛ ۱۰. رجال اجتماعی و فرهنگی؛ ۱۱. نام‌آوران شهرستانها؛ ۱۲. صنعتگران؛ ۱۳. کارگران و کشاورزان؛ ۱۴. نظامیان و رزمندگان جبهه جنگ؛ ۱۵. استادان و مدرسان آموزش عالی؛ ۱۶. پزشکان؛ ۱۷. عارفان و صوفیان؛

اسامی اعضای این گروه‌ها و سرپرستان آنها در بخش معرفی گروه‌های علمی بنیاد (ص چهل و یک تا چهل و چهار)، با تفاوت‌هایی در تعداد و اسامی گروه‌ها آمده است.

هر یک از گروه‌های مذکور برای انتخاب افرادی که شرح حال آنها در دست بود معیارهایی داشتند که در مقدمه آقای کاظمینی به تفصیل آمده است (ص هجده تا بیست و یک). به عنوان نمونه معیارهای انتخاب صنعتگران و اصناف که جایگاه ویژه‌ای در این *دانشنامه* دارند و ظاهراً در انتهای جلد سوم به صورت مجزا معرفی شده‌اند اما در بخش مشاهیر نیز به نام آنان برمی‌خوریم عبارت است از:

الف - اشتهار.

ب - ذکر نام آنها در کتب هنری و تاریخی.

پ - نوآوری و ابتکار.

ت - آغازگری یک حرفه.

ث - مهارتی که باعث شهرت آنها شده باشد.

مؤلف در خصوص اختصاص جایگاه ویژه در *دانشنامه* برای صنعتگران، پیشه‌وران و فعالان اقتصادی می‌نویسد: «از آنجا که یزد عرصه کار و تلاش‌های اقتصادی به شمار می‌رود نویسنده این سطور [میرزا محمد کاظمینی] خود را ملزم دانست تا شرح حال این تلاشگران عرضه اقتصاد و صنعت یزد را به صورت جداگانه در پایان جلد سوم *دانشنامه* بیاورد تا هم از تلاشهای این افراد قدردانی شده باشد، و هم تنوع مشاغل در استان یزد پیش چشم خواننده آگاه قرار گیرد.»

در این بخش ما به صاحبان مشاغل فراوانی برمی‌خوریم که شاید برخی آشنا و برخی برایمان غریب باشد؛ از جمله: قفل‌ساز، خیاط، مازار، تخت‌کش، نوغان‌دار، حکاک، چادرش‌باف، دامدار، معمار، ابریشم‌گیر، شیرریز، کول‌ساز، زرگر، تنورساز، تردست، طناب‌تاب، پسته‌کار، مسگر، دارایی‌باف، عطار، پلاس‌باف، باروباف، سرمه‌دوز، چشمه‌دوز، زنبوردار، نانوا، قندریز، آسیابدار، مکرومه‌باف، شیشه‌ساز، مشک‌دوز، ملیله‌کار، گچبر، چهل‌تکه‌دوز، زنجیرساز، کوره‌پز، صابون‌پز، ناظر حفر قنات، آسیابان، کلک‌ساز، انار‌کار، شال‌باف، پادری‌باف، باغدار، مجیدی‌کار، دوچرخه‌ساز، رستوران‌دار، خراط، خورجین‌باف،



پشم‌باف، بندزن، بوش‌دوز، عرفگیر، سراج، گردوکار، سفیداب‌ساز، کانال‌ساز، مداح، نداف، مرغدار، مقنی، کوزه‌گر، روکش‌باف، شیرینی‌پز، نخودکار، پرستار، علاقه‌بند، نقاش، فرش‌فروش، بادبزن‌ساز، بنا، پالوده‌فروش، حلوایی، سرامیک‌ساز، زیلوباف، گیوه‌دوز، چینی‌ساز، سفالگر، آهنگر، چاقوساز، سبذباف، نمدمال، درودگر، خراز حصیرباف، بادام‌کار، کلیدساز و...

به علاوه رؤسای اتحادیه‌های صنفی یزد در این *دانشنامه* از قلم نیفتاده‌اند، اتحادیه‌های تراشکاری، آپاراتی، پوشاک‌فروش، پیراهن‌دوز، تعویض روغن، بزاز، میوه‌فروش، صنایع چوب، آهن‌فروش، تعمیرکار اتومبیل، خیاطی، فروشنده لوازم الکتریکی، چاپخانه، خواروبارفروش، صافکاری، لاستیک‌فروش، سقط‌فروشی، آرایشگری و صادرکننده قالی و...

توجه به مشاغل تا آنجا پیش رفته که علاوه بر اختصاص بخش جداگانه به آن در لابلای اسامی بخش مشاهیر نیز به اسامی آنان بر می‌خوریم: کشاورز نمونه (ص ۱۷۰۳)، ناشر (۱۶۱۹)، طلا‌ساز (ص ۱۶۵۱)، طراح پارچه (ص ۱۶۴۴)، کدخدا (ص ۱۲۲۱)، ریخته‌گر (ص ۱۶۶۳).

همچنین در این بخش به اسامی تعداد زیادی از افراد با تخصص‌های ذیل بر می‌خوریم: ورزشکار، کارگردان، متخصص رایانه، فیلمنامه‌نویس، بازیگر، خواننده، سنگتراش، ویراستار، عکاس، کتابفروش، نوازنده، قاضی، دفتردار، فرمانده نظامی، دبیر، وکیل، معلم و...

به این ترتیب *دانشنامه مشاهیر یزد* اگر چه قصد از قلم نیفتادن مشهوران هر حرفه و فنی را داشته، با این حال سطح خود را از یک منبع مرجع علمی تا حد یک راهنمای مشاغل پائین آورده، با این تفاوت که شماره تلفن و آدرس زندگان از متخصصان آن حرفه‌ها را ارائه نکرده تا علاقمندان و نیازمندان بتوانند به راحتی با آنها تماس حاصل نمایند.

در بخش راهنمای این *دانشنامه* ضمن تعریف مدخل، چگونگی مدخل‌سازی به ترتیب الفبای نام و نام فامیل و یا شهر بر اساس منابع مرجع آمده است. در این بخش می‌خوانیم: «برای راحتی کار خواننده، و اینکه بتواند مدخل مورد نظر خودش را زودتر و راحت‌تر بیابد، مدخل‌ها بر اساس اسم شهر افراد انتخاب شده است». آنگاه به ارائه نمونه‌هایی از این اسامی پرداخته شده است.

در بخش فهرستهای پایان *دانشنامه* نیز فهرست مدخل‌ها به تفکیک مشاهیر و مشاغل برای سهولت دسترسی به شرح حال افراد ارائه گردیده است. همچنین در ادامه، فهرست راهنمای اسامی افرادی که در متن از آنها نام برده شده آمده است که این فهرست با ارجاعاتی نیز همراه است. جاداشت در بخش فهرست اسامی مشاهیر نیز از اسامی غیرمعروف و غیرمرجع به اسامی مشهور و مرجع ارجاعاتی فراهم می‌شد تا مراجعه‌کننده از طریق هر یک از اسامی که با آن آشنایی دارد فرد یا افراد مورد نظرش را به سهولت پیدا می‌کرد و به مدخل شرح حال وی دست می‌یافت.

در بخش معرفی شیوه‌نامه این *دانشنامه*، توضیحاتی مفصل در خصوص نشانه‌های اختصاری، علائم نگارشی، رسم‌الخط، واج‌نگاری، شیوه ذکر اعداد و راهنمای تبدیل سالها آمده است.

از ویژگی‌های ارزنده این اثر پرداختن به معاصرین علاوه بر متقدمین است. همچنین همراه بودن شرح حال معاصرین با نمونه عکس ایشان یکی از نقاط مثبت این *دانشنامه* است، که برای استفاده‌کننده از آن علاوه بر ایجاد آشنایی با چهره فرد یا افراد مورد نظر، تنوع روحی را نیز به دنبال دارد و باعث رفع خستگی می‌شود. افسوس که از همه معاصرین عکس ارائه نشده تا به یکدستی اثر کمک کند.

در اثر جز در موارد معدود (مدخل‌های مربوط به وحشی بافقی، ص ۱۶۳۶، محمدعلی فیاض، ص ۱۸۱۶ و ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، ص ۱۵۱۲)، از نقاشی و تصاویر خیالی برای معرفی افراد استفاده نشده است، و تنها کاربرد گرافیک در آن استفاده از نمادی برای نشان دادن امامزاده‌هاست.

در انتهای مدخل‌های *دانشنامه* بخشی با عنوان تصاویر گنجانده شده که در آن عکس انفرادی تعدادی از مشاهیر یزد به همراه تعدادی از عکس‌های دسته‌جمعی و تاریخی از مشاهیر این استان و عکس‌های بازدید عده‌ای از محققان و سیاست‌پویان از بنیاد ریحانه‌الرسول (ص) و نیز تصاویر گروه‌های کاری این بنیاد دیده می‌شود.

در تدوین این *دانشنامه* از منابع بسیاری استفاده شده است. در راهنمای منابع و مأخذ آمده که این منابع به هشت دسته تقسیم می‌شوند: ۱. منابع چاپی کتابی؛ ۲. منابع چاپی مطبوعاتی؛ ۳. منابع خطی؛ ۴. پایان‌نامه‌ها؛ ۵. جزوات تایپی و دست‌نوشته‌های محققین؛ ۶. منابع اینترنتی؛ ۷. مصاحبه‌ها و زندگینامه‌های شخصی؛ ۸. نامه‌های ارسالی از سازمانها و نهادها و ارگانها.

علی‌رغم این که در ابتدای راهنما آمده این منابع به صورت الفبایی بر حسب عنوان مرتب شده‌اند، در کتابنامه انتهای جلد سوم (ص ۲۲۶۹ - ۲۳۲۲) تنها کتابهای چاپی به همراه پایان‌نامه‌ها و منابع اینترنتی معرفی شده‌اند و از فهرست سایر گروه‌های منابع در این کتابنامه اثری نیست. البته در ذیل هر مدخل منبع یا منابع مورد استفاده به اختصار آمده که برای مراجعه‌کننده می‌تواند راهنما و راهگشا باشد.

بخش فهرستهای راهنمای *دانشنامه* که در انتهای جلد سوم جای گرفته شامل موارد ذیل است:

۱. **فهرست مدخلها** (که به تفکیک مشاهیر و مشاغل تنظیم شده و قبلاً راجع به آنها سخن گفتیم).

۲. **فهرست نامها:** به نظر می‌رسد این فهرست که شامل اسامی افراد نام برده شده در متن مدخلها است با دقت کافی تهیه نشده است. به عنوان شاهد، ده مورد به اسم فامیل «طالقانی» ارجاع داده شده که در هفت مورد منظور مرحوم سید محمود طالقانی است، در دو مورد خیابان طالقانی است و در یک مورد هم بیمارستان طالقانی. در صورتی که برای اسامی جایها و مکانها فهرست جداگانه‌ای در نظر گرفته شده و محل ارجاع به خیابان و بیمارستان آن فهرست بود نه این فهرست. در ضمن در ادامه آن مدخل با یک فاصله به نام کال زنده یاد سید محمود طالقانی برمی‌خوریم که جاداشت با بقیه موارد یک جا ارجاع داده می‌شد.

۳. **فهرست جایها، مکانها، ارگانها و ...:** در این فهرست به بسیاری از اسامی جغرافیایی عام و خاص که در متن مدخلها آمده ارجاع داده شده است.

۴. فهرست اعلام خارجی: به ترتیب الفبای لاتین به همراه ترجمه هر کدام به فارسی.

۵. کتابنامه: که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم.

در کنار این فهرست‌ها جای خالی چند فهرست دیگر حس می‌شود. فهرست‌هایی که می‌تواند در تکملاً این دانشنامه (جلدهای چهارم و چهارم به بعد) بیاید.

الف. فهرست طبقات، مشاغل و تخصص‌های افراد، تا اگر کسی به دنبال شرح حال گروه خاصی از یزدیان می‌گردد به راحتی بتواند آنها را به تفکیک یابد. مثلاً: خوشنویسان، نقاشان، سفالگران، پزشکان، وکلای مجلس، معلّم ان نمونه، شهدا، ...

ب. فهرست عناوین آثار تألیفی مشاهیر یزد که به عنوان کارنامه علمی یزدیان می‌تواند در یافتن نام مؤلف آثار کمک کند و حجم انبوه فعالیت علمی اهالی دانشمند یزد را به نمایش بگذارد، به علاوه فهرستواره نسخ خطی از میان این آثار بویژه آنها که هنوز منتشر نشده‌اند.

ج. فهرستی از عمده‌ترین دستاوردهای مشاهیر یزد به تفکیک نوع، (اختراعات، سازهای بزرگ، اختراعات)

د. فهرست سایر منابع غیر از کتاب‌های چاپی، پایان‌نامه‌ها، مقالات و منابع اینترنتی.

منابعی که قول معرفی آنها داده شده اما گویا از قلم افتاده‌اند مخصوصاً: نسخ خطی، هر چند تکمیل این دانشنامه به جلد چهارم وعده داده شده است، و می‌توان امیدوار بود که بسیاری از نواقص در آن‌جا برطرف شود، اما پرداختن به نسخه‌های خطی که در واقع پرداختن به تاریخ علم در هر حوزه جغرافیایی و تمدنی است از جمله مواردی است که انتظار می‌رود در چنین دانشنامه‌ای بیشتر به آن پرداخته شود. البته زمانی که در کتابنامه این اثر به عناوین بیش از بیست فهرست از فهراس مهم نسخ خطی کشور برمی‌خوریم بر ما معلوم می‌شود که این مقوله مورد توجه دست‌اندرکاران دانشنامه بوده است؛ در عین حال جای خالی برخی از فهراس نشان از ضرورت کار بیشتر در این حوزه است. به عنوان مثال فهرست‌هایی که در آن‌ها نیز ممکن است از یزدی‌ها بتوان سراغی جست عبارتند از: فهرست‌های کتابخانه سلطنتی (کاخ گلستان)، مدرسه فاضلیه مشهد، رضویه، حجتیه و فیضیه قم، ملی تبریز، انجمن آثار ملی (مفاخر فرهنگی)، سنای سابق (شماره دو مجلس)، دانشکده پزشکی، فرهنگ و هنر مشهد، ملی فارس، کتابخانه‌های عمومی و خصوصی اصفهان، آستان مقدسه حضرت معصومه (س)، موزه ملی آیت‌الله فاضل خوانساری، جامع گوهرشاد، دانشکده‌های ادبیات، حقوق، و الهیات دانشگاه تهران، ادبیات مشهد، ادبیات اصفهان، آیت‌الله گلیایگانی، عمومی مراغه، آیت‌الله بروجردی، مروی طهران، نوربخش، رشت و همدان، مدرسه صدر بابل، نمازی خوی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، فهرست نسخ خطی کشورهای ترکیه، پاکستان، هند و... که برخی از آنها به چندین جلد بالغ می‌شوند.

شاید عنوان شود که استفاده از آثاری چون *الذریعة الی تصانیف الشیعة* و فهرست نسخه‌های خطی

فارسی و فهرستواره کتابهای فارسی از استاد احمد منزوی ما را تا حدود زیادی از مراجعه به سایر فهراس بی‌نیاز می‌کند.

پاسخ این است که مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی بنا بر رسالتی که در پیش داشته، تنها به احصاء آثار علمای شیعه پرداخته و آثار افراد غیرشیعه را در *النریعه* نیاورده است. در مورد آثار ارزندهٔ فرزند برومند ایشان جناب استاد احمد منزوی هم باید گفت که دامنهٔ کار ایشان محدود به زبان فارسی است و عملاً آثار به زبان عربی که حجم زیادی از عناوین تألیفی را در برمی‌گیرد در فهرست نسخه‌های خطی فارسی و فهرستواره‌های آن بجای نیامده است. در عین حال مراجعه یک فرد غیرآشنا به اسامی یزدیان آن هم فقط با در دست داشتن پسوند اقلیمی «یزدی» به *فهرستوارهٔ کتابهای فارسی* ما را با افراد و آثار فراوانی روبه‌رو می‌کند که *دانشنامه مشاهیر یزد* از معرفی آنها غفلت ورزیده است:

- احمد احتشام الحکما اردکانی صاحب *رساله وبائیه*.
- امین یزدی فرزند عبدالعظیم حسین ابرقوهی صاحب *تذکرهٔ المومنین*.
- اسماعیل یزدی فرزند جعفر صاحب *تاب نتایج الاخبار*.
- میرزا باقر یزدی صاحب *کتاب مصایب الابرار*.
- محمد باقر منتطب صاحب *رسالهٔ صحت بدن*.
- محمد جعفر یزدی فرزند علی معروف به شاطر عقدایی صاحب *تذکرهٔ العارفین و کهال العیون*.
- شیخ جواد یزدی صاحب *آثار تذکره المصائب، تذکرهٔ الموحدین و شعشعهٔ حسینه*.
- حبیب الله یزدی فرزند نظام الدین صاحب *کتاب زبدهٔ نظامیه*.
- شیخ حسن یزدی صاحب *کتاب هموم المؤمنین*.
- حسن یزدی فرزند محمدحسین واعظ صاحب *کتاب جواهر الکلام فی سوانح الایام*.
- حسن یزدی فرزند مرتضی صاحب *اقصر المناهج*.
- محمدحسین کاتب یزدی فرزند احمد، صاحب *یوسف و زلیخا*.
- شیخ محمدحسن یزدی فرزند محمدابراهیم اردکانی صاحب *کتاب‌های سیف الواعظین و احوال امام رضا (ع)*.

- حسین یزدی فرزند علی حسین صاحب *کتاب مصائب العارفین*.
- ملاحسین یزدی فرزند عبدالعلی معروف به مومن یزدی شیخی صاحب آثار: *زاد المسافرین، صحبهٔ الابرار، عجایب الاسرار، مایدهٔ سماویه، مائدهٔ العارفین*.
- محمد حسین یزدی فرزند احمدین سمیع صاحب *تحفهٔ الولی*.
- آخوند ملاحسین یزدی فرزند محمد صاحب *جام جهان‌نما*.
- محمدحسین یزدی فرزند باقر صاحب *میزان الصنایع*.
- سید حیدر حمصی یزدی فرزند مرتضی صاحب *مختارنامه*.
- محمدرضا یزدی فرزند محمد صاحب *بزم ایران*.

- محمدرضا یزدی فرزند هاشم صاحب آثاری چون *اوزان و مقادیر، اوقات شب و روز و معرفه قبله*.
- محمد صالح یزدی صاحب *زبدۃ الحساب*.
- عبدالخالق یزدی فرزند عبدالرحیم مشهدی صاحب کتابهای *بیت الاحزان و روضه الشهدا*.
- ملا عبدالحسین اضعف یزدی فرزند علی صاحب کتاب *انیس الابرار*.
- عبدالرحیم یزدی صاحب *زهر دلایل الشرف*.
- حکیم عبدالله یزدی صاحب *طب فریدی و طب منظوم*.
- ملا عبدالخالق یزدی فرزند عبدالرحیم صاحب کتاب *فضل علم و معین الطلاب*.
- علی علوی یزدی صاحب کتاب *رسایل مظفری*.
- علی زین العابدی شهرنوی یزدی صاحب کتاب *بحرالعموم*.
- جمال الدین محمد یزدی صاحب کتابهای *مجمع التواریخ، مرآت العالم و حدیقه الفضلا*.
- سید محمد مجاهد یزدی فرزند میرسید علی صاحب کتاب *مصباح المجالس*.
- محمود یزدی فرزند عبدالکریم صاحب *رساله وبائیه*.
- هادی یزدی فرزند محمدرضا صاحب کتاب *خلیصة التواریخ*.
- میرزا مهدی یزدی صاحب کتاب *تذکره شعرای یزد*.
- سید هاشم یزدی فرزند عبدالحی صاحب *نوروزیه*.
- یوسف یزدی فرزند محمد صاحب کتاب *مشهد السبطين*.
- سید حسین یزدی و صاحب کتاب *خیانة الآصفیه*.
- رکن الدین یزدی صاحب کتاب *جامع الخیرات*.
- غیاث علی یزدی مؤلف *روزنامه غزوات هند*.
- شمس الدین محمد وزیر یزدی صاحب کتاب *العراضة فی الحکایة*.
- جمال الدین محمد یزدی صاحب *ماه و مهر*.
- معین الدین علی یزدی صاحب کتابهای *مواهب الاهی و نزهت السرور*.
- محمد یعقوب میرزا یزدی صاحب کتاب *گلشن ملوک*.
- قوام الدین حسین یزدی میبیدی صاحب اثری به نام *حساب*.

\* اگر از معاصرین هم بخواهیم افرادی را نام ببریم که در *دانشنامه* نامشان نیامده ولی می توانست بیاید به اسامی فراوانی می رسیم، این چند نفر صرفاً من باب نمونه یاد می شوند:

- آقای دکتر ماندگاری، فوق تخصص قلب، شاغل در بیمارستان شریعتی، اولین پزشک ایرانی که در ایران پیوند قلب انجام داد.

- دکتر علی رضا خبیری، عضو هیأت علمی انستیتو پاستور، متولد ۱۳۴۱، لیسانس و فوق لیسانس بیولوژی از دانشگاه تهران و دکتری بیوتکنولوژی از انستیتو پاستور.
- مهندس محمدعلی مسلمین کوپاهی؛ رئیس سابق سازمان آب یزد و مدیر عامل فعلی سازمان توسعه کرمان.
- دکتر محمدحسین مسلمین کوپاهی، معاون دانشگاه آزاد یزد.
- دکتر رضا کلانتری، پزشک.
- سید محمد جواد وکیل از بازرگانان طراز اول یزد.
- علی پارسائیان مترجم کتاب‌های مدیریت از انگلیسی به فارسی.
- محمدحسن پارسائیان، از کتابداران نمونه کتابخانه مجلس شورای اسلامی در سال ۸۱.
- علی اکبر زارع بیدکی، دانش‌آموخته رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی و کتابدار نمونه کتابخانه مجلس در سال ۸۰.

\* به راستی تا چه حد می‌توان بر این فهرست افزود؟ در جایی که نام صدها نفر در سفالگری و سرامیک‌سازی و نقاشی روی سفال و سرامیک در این *دانشنامه* آمده، چگونه است که نام صاحب اثران مزبور و دیگرانی که فرصت یافتن آنها را نداشته‌ام نیامده است؟ آیا جلد چهارم *دانشنامه* پاسخگوی همه این کاستی‌ها خواهد بود؟ امیدوارم.

با همه تلاشی که توسط سازمان علمی این *دانشنامه* صورت گرفته است و زحمتی که نزدیک به دویست نفر از پژوهشگران و مؤلفان و ویراستاران و دیگر همکاران این اثر بر خود هموار کرده‌اند، برخی ناهمواری‌ها در اثر پیش رو به چشم می‌آید: مثلاً در ترتیبِ مدخل‌ها، عدم محاسبه ویرگول مابین نام فامیل و نام کوچک افراد می‌بایست به نوعی اصلاح می‌شد تا ترتیبِ درست الفبایی بر این فرهنگ حاکم شود و به عنوان مثال مدخل «اسلامی ندوشن، محمدعلی» پس از مدخل «اسلامی، محمدحسن» قرار نگیرد. مشکلی که در نمایه یا فهرست نیز تکرار شد و آشفتگی را بیشتر دامن زد.

دیگر اینکه جا داشت آغاز و انجام مدخل‌ها که معمولاً در بالای صفحات چپ و راست فرهنگ‌ها می‌آید در این *دانشنامه* هم می‌آمد. هر چند با توجه به تعداد کم مدخل‌ها در هر صفحه این تقیصه قابل چشم‌پوشی است، اما بودن این عنصر می‌توانست در جستجوی سریع مدخل‌ها کمک ارزشمندی باشد.

از اشکالات ویرایشی و محتوایی دیگر این اثر یکی این که (۱) مثلاً تصاویر محمدحسین یزدی ندوشن (نماینده مجلس) معرفی (۲) شده در صفحه ۱۷۰۱ و علی اکبر یزدی واعظ معرفی شد و صفحه ۱۶۸۹ یکی است. جالب این که از محمدحسین یزدی ندوشن دو شرح حال ارائه شده یکی با عنوان یزدی ندوشنی (ص ۱۷۰۱) و دیگری با عنوان ندوشنی یزدی (ص ۱۵۸۶) جالب‌تر این که شرح حال وی در این دو مدخل با تفاوت‌های فراوان آمده است.

در مورد علی اکبر یزدی پیش گفته نیز هیچ‌یک از آثار وی که عبارتند از: *مضجع القلوب*، *تحفة المتقین*، *جمال الواعظین* نام برده نشده است. این اشکال در مورد شرح حال بسیاری از علما تکرار شده است. مثلاً در شرح حال قاضی کاشف‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی. در مورد فرد اخیر با اینکه عنوان شده وی صاحب بیش از پانزده اثر است، به نام هیچ‌کدام اشاره نگردیده است.

شرح حال شرف‌الدین علی قاضی نیز در این *دانشنامه* دو جا، آن‌هم در پشت و روی یک برگ (ص ۸۰۵ و ۸۰۶) آمده است.

از نمونه اشکالات ویرایشی باید به صفحه ۲۲۹۷ از کتابنامه اشاره کرد که فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران دو مرتبه آن هم پشت سر هم و با اطلاعات کتابشناختی مختلف درج شده است، و این نشان می‌دهد ویراستاران این اثر فرصت زیادی برای بررسی آن صرف نکرده‌اند.

در صفحه ۱۶۸۱ در شرح حال و آثار حسن یزدی از خوشنویسان سده چهاردهم آمده: مجموعه‌هایی که به خط او کتابت شده... در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود بوده است. در صورتی که اولاً نام این کتابخانه به تناسب تغییر نام مجلس تغییر یافته و در ثانی استفاده از صیغه فعلی ماضی ابعده در این جمله این ابهام را بوجود می‌آورد که مجموعه‌های مزبور اکنون در آن کتابخانه موجود نمی‌باشد، در صورتی که چنین نیست. مدخل بعدی در همان صفحه مورد مشابهی است که اشکال در ذکر نام کتابخانه در آن تکرار شده، اما در نحوه کاربرد فعل، اشکال مدخل قبلی در آن دیده نمی‌شود.

در بخش معرفی صاحبان مشاغل که ذکر شغل پس از نام فرد به عنوان یک روال پذیرفته شده است، در برخی مدخل‌ها این روال به فراموشی سپرده شده است (ص ۱۷۳۴، ۱۷۸۰ و ۱۶۸۲) از جهت حروفچینی، انتخاب فونت حروف و اندازه آن و دوستونه چیدن و کم‌غلطی باید به دست اندرکاران آفرین گفت در عین حال فاصله بین عنوان هر مدخل و متن آن به همان اندازه فاصله بین عنوان یک مدخل با متن قبلی است و این مسئله باعث عدم تمییز آسان دو مدخل در نگاه نخست می‌شود. هر چند عناوین مدخل‌ها با فونت درشت‌تری تایپ شده اما رفع این اشکال می‌توانست با کم کردن فاصله بین عنوان مدخل و متن آن و حتی فاصله بین متن و منبع صورت گیرد تا به کم شدن حجم اثر نیز کمک شایانی بنماید.

در یک جمع‌بندی کلی این *دانشنامه* اثر ارزنده‌ای است که با عجله به بازار کتاب راه پیدا کرده و اگر با حوصله بیشتر عرضه می‌شد، عرصه بر نکته‌گیران تنگ‌تر می‌بود. کتابی که با همکاری جمعی دلسوز تألیف شده و برای چاپ آن از بهترین کاغذ و جلد و صحافی بهره برده شده، حیفاً است که دارای نقایص و نواقصی باشد که با قدری دقت و حوصله قابل برطرف کردن بود. انتظار کمال مطلق انتظاری عبث است، اما کمال نسبی خود مراتب دارد که شایسته *دانشنامه مشاهیر یزد* مراتب بالای آن است. به همه دست‌اندرکاران این اثر خسته نباشید می‌گوئیم و ویرایش منقحی از آن را انتظار می‌کشیم.

### پانویس:

۱. فرهنگنامه ادبی فارسی (گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۷۶۲-۷۶۳.
۲. نشر دانش، سال هجدهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۰، صص ۶۵-۶۷.